

آیا ما از دو یا سه قسمت تشکیل شده ایم؟ آیا ما جسم، جان و روح هستیم یا جسم و جان - روح؟



پیدایش فصل ۱ آیه های ۲۶ تا ۲۷ مشخص کرده که خداوند انسان را به عنوان موجودی متفاوت از موجودات دیگر آفریده است. کتاب مقدس به روشنی به ما می گوید که هدف از آفرینش بشر این بود که بتواند یک رابطه نزدیک و صمیمی با خدا برقرار کند، بنابراین، او ما را در دو بُعد مادی (جسمانی) و غیرمادی (روحانی) آفرید (جامعه فصل ۱۲ آیه ۷؛ متی فصل ۱۰ آیه ۲۸؛ اول قرنتیان فصل ۵ آیه ۵؛ دوم قرنتیان فصل ۴ آیه ۱۶؛ دوم قرنتیان فصل ۷ آیه ۱؛ یعقوب فصل ۲ آیه ۲۶). بُعد جسمانی بشر قطعاً میرا و موقتی است که همان بدن فیزیکی ما می باشد. بُعد غیرمادی ما فنا ناپذیر است که این بُعد شامل این موارد می باشد: جان، روح، هوش، اراده، وجدان، فکر، احساسات و غیره. این موارد پایان ناپذیر هستند و فراتر از مدت زندگی جسمانی می باشند.

همه انسان ها هم از ویژگی های مادی (جسمانی) و هم از ویژگی های غیر مادی (روحانی) برخوردار هستند. با این وجود، ویژگی غیر مادی بشر همواره مورد بحث بوده است. کتاب مقدس در این مورد چه می گوید؟ پیدایش فصل ۲ آیه ۷ می گوید، بشر مانند یک "جان زنده" آفریده شد. اعداد فصل ۱۶ آیه ۲۲ خداوند را با نام "خدای تمامی روح های انسان ها" می نامد. امثال فصل ۴ آیه ۲۳ به ما می گوید: "مواظب افکارت باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می گیرد"، این آیه مشخص می کند که قلب (منظور ماهیچه قلب نیست) مرکز افکار و خواسته های انسان است. در اعمال رسولان فصل ۲۳ آیه ۸، پولس به وجدان اشاره می کند که به عنوان قسمتی از فکر باعث می شود تا خوب و بد را تشخیص دهیم. رومیان فصل ۱۲ آیه ۲ درباره قدرت افکار تغییر یافته سخن می گوید. این آیه ها، و دیگر آیه های مشابه، به بُعدهای مختلف روحانی انسان اشاره می کنند. ما از اتحاد دو بُعد مادی و غیر مادی تشکیل شده ایم.

به نوعی، جان، روح، هوش، اراده، وجدان، فکر، احساسات به یکدیگر مرتبط هستند. احتمالاً، جان-روح از ترکیب دیگر ابعاد غیر مادی انسان تشکیل شده است. با در نظر داشتن همه این موارد، آیا بشر وجودی دوگانه یا سه گانه است؟ به عبارت دیگر، آیا ما دو قسمت (جسم و جان-روح) و یا سه قسمت (جسم، جان و روح) داریم؟ غیرممکن است که در این رابطه متعصب باشیم و فقط بر روی یکی از دو اصرار کنیم. ایده پردازها قرن‌هاست که بر سر این مسئله با یکدیگر اختلاف دارند. و هرگز به طور قطعی اعلام نشده کدامیک صحیح است.

کسانیکه که به ماهیت دوگانه انسان اعتقاد دارند بشر را تشکیل شده از دو قسمت می بینند: جسم و روح. دو دیدگاه عمومی در رابطه با ایده ماهیت دوگانه وجود دارد. دیدگاه اول می گوید که انسان از اتحاد جسم و روح تشکیل شده که با هم "جان یا وجود زنده" را تشکیل می دهند. جان بشر روح است که با جسم متحد می شود و یک شخص بوجود می آید. این دیدگاه مورد قبول پیدایش فصل ۲ آیه ۷؛ اعداد فصل ۹ آیه ۱۳؛ مزامیر فصل ۱۶ آیه ۱۰؛ مزامیر فصل ۹۷ آیه ۱۰ و یونس فصل ۴ آیه ۸ می باشد. این دیدگاه بر این نکته تاکید دارد که واژه عبری "نفس" به اتحاد جان، موجود زنده، زندگی و شخص اشاره می کند. یک شخص (جان) که حاصل اتحاد جسم و روح می باشد. اشاره شده است که وقتی کتاب مقدس می گوید «رواک» (نفس، دم یا روح) از جسم جدا شده است، منظورش این است که مرده کسی است که جان از او جدا شده است (جامعه فصل ۱۲ آیه ۷؛ مزامیر فصل ۱۰۴ آیه ۲۹؛ مزامیر فصل ۱۴۶ آیه ۴).

دومین دیدگاه در مورد ماهیت دوگانه این است که روح و جان یکی هستند اما دو اسم متفاوت دارند. این دیدگاه تایید کننده این حقیقت است که بعضی اوقات از این واژه ها به جای هم استفاده می شود (لوقا فصل ۱ آیه های ۴۶ تا ۴۷؛ اشعیا فصل ۲۶ آیه ۹؛ متی فصل ۶ آیه ۲۵؛ متی فصل ۱۰ آیه ۲۸؛ اول قرنتیان فصل ۵ آیه های ۳، ۵) و باید به چشم دو کلمه مترادف دیده شوند که به یک حقیقت روحانی درون هر انسان اشاره می کنند. بنابراین دیدگاه ماهیت دوگانه بر این عقیده است که انسان از دو قسمت تشکیل شده است. انسان هم جسم و هم روح است که جان یا ترکیب جسم و جان-روح را تشکیل می دهد.

کسانیکه که معتقدند انسان ماهیت سه گانه دارد، انسان را متشکل از سه قسمت مجزا در نظر میگیرند: جسم، جان و روح. آنها بر روی اول تسالونیکیان فصل ۵ آیه ۲۳ و عبرانیان فصل ۴ آیه ۱۲ تاکید می کنند که به نظر بین روح و جان تفاوت قائل است. معتقدین به ماهیت دوگانه می گویند که اگر اول تسالونیکیان فصل ۵ آیه ۲۳ به ماهیت سه گانه اشاره می کند، پس آیا با همان تفسیر، مرقس فصل ۱۲ آیه ۳۰ به ماهیت چهارگانه اشاره می کند؟

آیا مهم است که معتقد به ماهیت دوگانه و یا سه گانه باشیم؟ احتمالاً نه؛ با این وجود، باید احتیاط کنیم. چون معتقدین به ماهیت سه گانه انسان، واقعیت اتحاد موجود در یک شخص را کم اهمیت جلوه میدهند. به برخی از مردم اینگونه تعلیم داده شده است که خداوند با روح ما به طور رمزی ارتباط برقرار می کند و عقل و خرد ما را نادیده می گیرد. بر اساس همین فرض اشتباه، بعضی از کلیساها از موقعیت سه گانه بودن ماهیت انسان استفاده می کنند تا امکان تسخیر شدن مسیحیان توسط ارواح پلید را ترویج دهند. برای اینکه، آنها جان و روح را دو جنبه غیرمادی جداگانه در وجود مسیحیان در نظر می گیرند.

آنها این را به عنوان اصل موضوع می پذیرند که در یکی از آنها (جان یا روح) ، روح القدس می تواند ساکن شود و در دیگری، ارواح پلید می توانند ساکن شوند. این نظر مشکل ساز است چون هیچ مبنای کتاب مقدسی وجود ندارد که بگوید کسی که توسط روح القدس پر شده است می تواند توسط ارواح شیطانی نیز تسخیر شود.

بدون توجه به اینکه کدام دیدگاه (دوگانه یا سه گانه) به بهترین شکل، درک درست و دقیقی از کلام خدا ارائه می دهد، ما باید متحدانه خداوند را مانند سراینده مزامیر ستایش کنیم: “تو را شکر می کنم که مرا اینچنین شگفت انگیز آفریده ای! با تمام وجود دریافته ام که کارهای تو عظیم و شگفت انگیز است” (مزامیر فصل ۱۳۹ آیه ۱۴).